

تاریخ انقلاب مشروطیت

تألیف دکتر مهدی ملک‌زاده

دکتر محمد حسین عزیزی

منابع

محاصره‌ی اقتصادی و نداشتن آذوقه تحت فشار گذارده و به زانو درآورده و به صورت قهرمان فاتح درآمده بود، چنانچه گیلان پا به میدان نمی‌گذاشت و با یورش انقلابی خود یکسره پایتخت را نشانه نمی‌گرفت، اختناق با شدت بیشتری ادامه می‌یافت و طبعاً سلطنت استبدادی قاجار با همه‌ی اوصافش مدت‌ها برقرار می‌ماند و تجددخواهی و دموکراسی برای همیشه خاموش می‌شد و چه‌بسا ایران به سرنوشتی چون افغانستان امروزی دچار می‌گردید. ■

منابع

۱- تاریخ هجده ساله‌ی آذربایجان، تألیف احمد کسروی تبریزی. ۲- تاریخ مشروطه‌ی ایران، تألیف احمد کسروی تبریزی. ۳- گیلان در جنبش مشروطیت، تألیف ابراهیم فخرانی. ۴- سردار جنگل، تألیف ابراهیم فخرانی. ۵- انقلاب ایران، تألیف ادوارد براون، ترجمه‌ی احمد پژوه. ۶- تاریخ مشروطیت ایران، تألیف دکتر مهدی ملک‌زاده. ۷- نام‌ها و نامدارهای گیلان، تألیف جهانگیر سرتیپ‌پور. ۸- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. ۹- خاطرات حاج عزالممالک اردلان، تألیف دکتر باقر عاقلی.

پی‌نوشت‌ها

۱- تاریخ مشروطه‌ی ایران، نوشته‌ی احمد کسروی تبریزی، ج ۲، ص ۹۰۳.
۲- مجله‌ی رنگین کمان، سال سوم، شماره‌ی ۷۴
۳- اعضای کمیته‌ی ستار رشت عبارت بودند از: میرزا کریم‌خان، سه برادرش، عبدالحسین خان (معزالسلطان)، میرزا حسن خان (عبدالسلطان)، احمدعلی‌خان، سید یحیی‌ندامانی (ناصر الاسلام)، میرزا حسین‌خان کسمانی، علی‌محمدخان تربت- حاج حسین اسکندری- جوادخان ناصرالملکی- مشهیدی مختار اردبیلی، آقا گل‌میخ خروش رحیم شیشه‌بر، میرزا محمدعلی معازره (گیلان در جنبش مشروطیت، ص ۱۱۳).
۴- ژوزف شلز همان اتالیبی معروف است که بعداً دبیر کل و رهبر موقت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شد.
دور جنبش‌کننده از رهبران نامی انقلاب سوسیالیستی روسیه بعداً کمیسر صنایع اتحاد جماهیر شوروی- فرمانروای کل قفقاز شده و آخرین ماموریتش در افغانستان بوده. ولادی قفقاز سابق به نام او نامگذاری شده است.
۵- گیلان در جنبش مشروطیت، ص ۶۵.
۶- نام‌ها و نامدارهای گیلان، تألیف جهانگیر سرتیپ‌پور، ص ۱۶۶.
۷- فخرانی، ابراهیم، همان‌جا، ص ۱۲۱ تا ۱۱۷.
۸- فخرانی، همان‌جا، ص ۱۵۳.
۹- تاریخ هجده ساله‌ی آذربایجان، احمد کسروی تبریزی، ص ۷۵ به بعد.

□ درباره‌ی جنبش مشروطیت تاکنون آثار متعددی نگاشته‌اند که یکی از آن‌ها کتاب «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» اثر مرحوم دکتر مهدی ملک‌زاده (۱۲۶۰-۱۳۳۴ش) پزشک و استاد مدرسه‌ی طب است. کتاب مزبور نخستین بار در زمان حیات نویسنده‌ی آن اثر انتشار یافته و از آن پس چند بار تجدید چاپ شده است. این کتاب ۱۶۷۹ صفحه‌ای دارای نکته‌های مهمی در باب جنبش مشروطیت است. آنچه در این نوشتار می‌خوانید افزون بر شرح مختصر زندگی و خدمات دکتر ملک‌زاده و پدرش ملک‌المتکلمین خطیب مشهور دوران مشروطه که برسر این آرمان جان باخت، نگاهی است گذرا به کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت که به مناسبت یکصدمین سالگرد آن جنبش به خوانندگان محترم ما هنامه‌ی حافظ تقدیم می‌شود.

دکتر مهدی ملک‌زاده (پزشک و استاد درس کالبدشناسی مدرسه‌ی طب) فرزند خطیب مشهور عصر مشروطه، ملک‌المتکلمین (۱۳۲۶-۱۲۷۷ ه. ق.) است. «میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین» پس از تحصیلات دینی در سن بیست و دو سالگی به قصد زیارت، عازم مکه شد و در بازگشت از آن سفر راهی هندوستان گردید و در آن‌جا مدت دو سال اقامت نمود. وی در هندوستان کتابی با عنوان «من‌الخلق الی‌الخلق» به منظور بیداری مسلمانان منتشر کرد. پس از انتشار کتاب مزبور، انگلیسی‌ها او را از هندوستان تبعید کردند، از این‌رو،

ملک‌المتکلمین به ایران آمد و به صفوف مشروطه‌خواهان پیوست و با ایراد خطابه‌های خود مردم را آگاه ساخت.

اما ملک‌المتکلمین سرانجام برسر آرمان مشروطه جان باخت و هنگامی که محمدعلی‌شاه قاجار (دوران حکومت: ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه. ق / ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ م) به رویارویی با آزادی‌خواهان مشروطه‌طلب برخاست و به فرمان او حکومت‌نظامی، اعلام شد و «لیاخوف»، سرهنگ روسی و فرمانده نیروی قزاق در ایران، به فرمان شاه مجلس را به توپ بست، ملک‌المتکلمین نیز همراه با «جهانگیرخان شیرازی» (ناشر صوراسرافیل)، «سلطان‌العلمای خراسانی» (مدیر جریده‌ی روح‌القدس) و «قاضی ارداقی» به دستور محمدعلی‌شاه به وضع دلخراشی در باغ‌شاه به قتل رسید.

کتاب مشهور تاریخ انقلاب مشروطیت ایران دکتر ملک‌زاده حاوی نکته‌های مهمی از اوضاع سیاسی ایران در جنبش مشروطیت است و در آن، نویسنده خاطرات و شنیده‌های خود را به تحریر درآورده است به علاوه دارای تصاویر و اسناد متعددی نیز است. از مهمترین مباحث «تاریخ مشروطیت ایران» می‌توان از موارد زیر نام برد:

- فلسفه‌ی پیدایش مشروطیت (ج ۱)
- طلوع مشروطیت و وقایعی که به تحولات بزرگ منجر شد (ج ۲)
- کشمکش مشروطه و استبداد (ج ۳)
- آغاز استبداد صغیر (ج ۴)
- قیام تبریز، ورود قشون روس به ایران

آن‌هاست از نعمت حکومت ملی و آزادی برخوردار شود و راه ملل متمدنی جهان را پیش گیرد؟ (همان، ص ۴۴)

از مزایای دیگر کتاب **تاریخ انقلاب مشروطیت** اثر دکتر مهدی ملک‌زاده آن است که نویسنده، فصول متعددی را به ذکر رویدادهای نقاط مختلف ایران در جریان جنبش مشروطیت اختصاص داده و صرفاً به نگارش وقایع و جریانات پایتخت بسنده نکرده است. برای نمونه در فهرست کتاب، فصل‌های زیر را در چاپ سوم آن می‌توان یافت:

- در شهرستانها چه خبر بود؟ (کتاب دوم، فصل ۱۲، ص ۴۵۵)

- آزادی خواهان تبریز در چه کار بودند؟ (کتاب ۴، ف ۳، ص ۷۲۷)

- قیام آزادی خواهان تبریز (کتاب ۴، ف ۱۵، ص ۸۴۴)

- قیام تبریز (کتاب ۵، ف ۱، ص ۹۳۳)

- انقلاب رشت (کتاب ۵، ف ۸، ص ۱۰۳۵)

- ظهور انقلاب رشت (کتاب ۵، ف ۱۰، ص ۱۰۹۵)

- انقلاب اصفهان (کتاب ۵، ف ۱۲، ص ۱۰۸۵)

- جنایت روس‌ها در رشت و انزلی (کتاب ۱۰، ف ۱۰، ص ۱۴۹۸)

- در غرب چه خبر بود؟ (= کرمانشاه و همدان/ کتاب ف ۱۷، ص ۱۵۶۵) و ...

در این جا برای آشنایی بیشتر با کتاب **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران** به قلم دکتر مهدی ملک‌زاده به ذکر برخی از رویدادها و مطالب مرتبط با شیراز در کتاب مزبور پرداخته، هر چند، فصل مستقلی در باب رخدادهای شیراز در جنبش مشروطه در کتاب یافت نمی‌شود. (انتخاب عناوین از نگارنده این سطور است.)

- نطق شاهزاده ابوالحسن میرزا شیخ‌الرییس در شیراز: به روایت دکتر ملک‌زاده، «شاهزاده ابوالحسن میرزا شیخ‌الرییس که در آن زمان در شیراز می‌زیست، نطق مفصلی در مفاسد استقراض از روس‌ها ایراد نمود و به همین جهت مورد تهدید و تخفیف حکومت وقت واقع شد و تا مدتی از معاشرت ممنوع بود.» (ص ۱۲۴، کتاب اول)

- حضور ملک‌المتکلمین در شیراز: دکتر ملک‌زاده می‌نویسد: «با ورود ملک‌المتکلمین به شیراز روح تازه در اجساد خمود دمیده شد... و برای استفاده، او را به وعظ در مسجد وکیل دعوت نمودند. در اندک زمانی چنان هیجانی در افکار پدیدار شد و حرف‌های تازه در میان منتشر گشت که «علاءالدوله» والی مستبد فارس نگران گشت و به تهران تلگرافاتی از جریان امر مخابره کرد و دولت را از تأییدی که توقف ملک‌المتکلمین در آن سامان کرده بود، آگاه ساخت و در نتیجه بنا به دستور صدراعظم، نیمه شبی چهل نفر سوار، آن آزاد مرد را تحت‌الحفظ از شیراز بیرون برده و به سرحد اصفهان می‌رسانند.» (ص ۱۶۱، کتاب اول)

- مشروطه‌خواهان شیراز: دکتر ملک‌زاده در این باره چنین می‌نویسد: «مشروطه‌خواهان اصفهان، شیراز، رشت، کرمان و بعضی از شهرهای دیگر ایران، با تهران و تبریز هم‌صدا شدند و بازارها را بسته و در تلگراف‌خانه‌ها متحصن شدند.» (ص ۴۲۹، کتاب دوم)

- میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه **صویراسرافیل**: دکتر ملک‌زاده درباره‌ی میرزا جهانگیر خان شیرازی (متولد ۱۲۹۲ هجری قمری، شیراز) می‌نویسد: «که وی یکی از ارکان عمده‌ی آزادی‌طلبان به شمار می‌رفت. و سپس می‌افزاید: «میرزا

- برقراری مجدد مشروطه و خلع محمدعلی شاه (ج ۶)

- سیاست انگلیس و مشروطه و تاج‌گذاری احمدشاه (ج ۷)

دکتر ملک‌زاده، سبب نگارش کتاب خود را نارسایی و اشتباهات آثار پیشین از جمله **تاریخ مشروطیت کسروی** و کتاب **بیداری ایرانیان** به قلم «ناظم‌الاسلام کرمانی» بر شمرده است. وی که در ابتداء انقلاب مشروطیت را بزرگ‌ترین واقعه‌ی تاریخ ایران دانسته است، چهل و چند سال پس از آن بر این باور بوده است که مشروطیت به اهداف خود دست نیافته است و می‌نویسد: «هنوز کشور ایران چون سایر کشورهای متمدنی جهان گام مهمی در راه ترقی و بالا بردن سطح فکر و دانش مردم و بهبودی زندگانی مادی آنان برنداشته و از نعمت ترقی معنوی برخوردار نشده است و کامش از شهید حکومت مردم بر مردم شیرین نگشته است.» دکتر ملک‌زاده می‌کوشد تا در تحلیل خود علل شکست مشروطیت را ارائه کند و ضعف‌های درونی نهضت را علاوه بر نقش بیگانگان بررسی نماید. وی علل ناموفق بودن جنبش مشروطیت را بر می‌شمارد و می‌نویسد:

۱- ملت ایران در بدو ظهور مشروطیت به‌حدی از کاروان تمدن جهان عقب بود و از اصول نوین بی‌اطلاع بود که شاید در تمام ایران بیش از انگشت‌شمار از تاریخ تحولات جهان و فلسفه‌ی تکامل و منافع آزادی و حکومت ملی اطلاعی نداشتند. (نقل از کتاب اول، ص ۲۳)

۲- هنوز مرکب قانون اساسی خشک نشده بود و رژیم مشروطیت برقرار نگشته بود که جنگ و ستیز میان آزادی‌خواهان و مستبدان شروع گشت. (نقل از کتاب اول، ص ۲۴)

۳- نفوذ سیاسی روس و انگلیس در ایران بزرگ‌ترین مانع ترقیات و هم‌قدم شدن با کاروان تمدن جهان بود... این دو دولت در مدت دو قرن عصاره‌ی این کشور را کشیدند و آنچه نیرو داشت تحلیل بردند. (همان، ص ۲۶)

۴- یکی از علل و موجبات مهمی که مانع از برقراری حکومت ملی در ایران شد قانون انتخابات کنونی مجلس شورای ملی است. عیب این قانون این است که تقدیرات کشور ایران را به‌دست کسانی سپرد که انقلاب مشروطیت برای از بین بردن آن‌ها ظهور کرد. (همان، ص ۲۷)

۵- همان‌طوری که آزادی، روح شهامت و جوانمردی و راستی را در اولاد بشر به وجود می‌آورد، استبداد و وحشت، ملکات فاضله را از بین برده، به جای آن دورویی، چاپلوسی، تملق، ریاکاری، سالوسی، نقاق، خوف از حقیقت‌گویی و دروغ‌پردازی در شخص ایجاد می‌کند. مخصوصاً کسانی که به دستگاه پادشاه نزدیک‌تر بودند و بیش‌تر با دولت تماس داشتند به رعایت «هر عیب که سلطان بپسندد هنر است» دارای آن صفات مذمومه بودند... آن‌ها بر این عقیده‌اند که به هر قیمتی هست باید جاه و مقام داشت و در دستگاه زر و زور راه یافت و متمتع شد. (همان، ص ۲۸)

دکتر ملک‌زاده سپس در پایان می‌پرسد: «بنابر آن‌چه در بالا گفته شد، چه‌گونه می‌توان امید داشت که کشوری که زمامدارانش معتقد به مشروطیت نبوده و به اصول آزادی ایمان نداشتند و خوی استبداد و خودسری و پیروی از هوای نفس و بی‌اعتنایی به قانون در نهاد

جهانگیرخان به آزادی جان داد و آوازه‌ی شرافت او جهانگیر نشد». (صص ۴۳۴-۴۳۸ کتاب دوم)

- شیراز پس از پیروزی مشروطیت: دکتر ملک‌زاده در این باره چنین می‌گوید: «بعد از اعلام مشروطیت در تهران، مشروطه‌خواهان شیراز انجمن فارس را تأسیس کردند و به ترویج افکار نوین و طرفداری از مشروطیت پرداختند. قوام‌الملک و پسرانش که در فارس دیکتاتور و حاکم مطلق بودند به تحریک محمدعلی شاه بر ضد مشروطه‌خواهان برخاستند و اتباع خود را به اغتشاش و فتنه‌جویی گماشتند. شهرها و راه‌های تجارتنی دست‌خوش یغماگری دزدان شد، به‌طوری که امنیت راه‌های تجارتنی از میان رفت، و آمد و شد کاروان‌های مقطوع شد و چندین قافله را لخت کردند و عده‌ای مسافر بی‌گناه را کشتند.» (صص ۴۴۹-۴۵۰ کتاب دوم، نقل به اختصار)

قتل قوام‌الملک به‌دست یکی از مشروطه‌خواهان و پیامد آن:

دکتر ملک‌زاده نوشته است: «در روز چهارم صفر یکی از مشروطه‌خواهان به نام «نعمت‌الله بروجردی»، قوام‌الملک را در میان جمعی از هواخواهان و بستگانش هدف چهار تیر قرار داد و او را از پا درآورد و سپس خود را کشت. پسرهای قوام پس از دفن جسد پدر به انتقام از دشمنان خود برخاستند و عده‌یی را دستگیر کردند و خانه‌هایی را تاراج نمودند. در مجلس سوگواری که برای قوام‌الملک مقتول به‌پا کردند «سید احمد دشتی» که یکی از مشروطه‌خواهان بود را «سالارالسلطان» پسر قوام، با گلوله کشت و بدن سید را قطعه قطعه کردند و آتش زدند.» (ص ۶۲۶ کتاب سوم)

- دستور تبعید پسران قوام‌الملک توسط دولت

دکتر ملک‌زاده می‌نویسد: «دولت بر خلاف میل شاه تقاضای ملک‌المتمکین را پذیرفت و دستور تبعید پسرهای قوام را صادر کرد ولی محمدعلی شاه مانع از اجرای آن شد. (ص ۶۵۰ کتاب سوم)

- اردویی که مأمور فارس شد:

دکتر ملک‌زاده روایت کرده است که: «پس از فتح تهران، از طرف سرداران ملی اردویی از مجاهدین انتخاب گشت و مأمور فارس شد.» (ص ۷۴۳، کتاب چهارم)

- تشکیل انجمن ایالتی فارس:

دکتر ملک‌زاده می‌نویسد: «با وجود نیرومندی مستبدین در فارس و قدرت فوق‌العاده‌ی خانواده قوام [سرانجام] مستبدین به زانو در آمدند. [مشروطه‌خواهان] پس از کنکاش زیاد و گفت‌وگوی بسیار تصمیم گرفتند که انجمن ایالتی را بر طبق مقررات قانون اساسی تشکیل دهند و مردان آزادی‌خواه و مورد اعتماد ملت را به نمایندگی انجمن انتخاب کنند» (ص ۱۱۴۳، کتاب پنجم، نقل به اختصار)

نتیجه

نگارش کتاب **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران** توسط دکتر مهدی ملک‌زاده سبب گردید، که نام او در تاریخ پزشکی ایران به عنوان پزشک و تاریخ‌نگار جنبش مشروطیت ایران برای همیشه ثبت شود و اثر او از مراجع مکتوب جنبش مشروطیت محسوب گردد. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- صدری افشار، غلام‌حسین و همکاران، فرهنگ فارسی اعلام، ص ۶۹۰
- ۲- معین، دکتر محمد: فرهنگ فارسی، ج ۶ (اعلام)، صص ۲۰۱۶-۲۰۱۷، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۴. ۳- بیات، دکتر عزیرالله: کلیات تاریخ تطبیقی ایران، صص ۳۶۹-۳۷۰، امیرکبیر، ۱۳۷۷. ۴- میرزا جهانگیرخان شیرازی (۱۲۹۲-۱۳۲۶ ه. ق.) روزنامه‌نگار آزادی‌خواه ایرانی از مردم شیراز، ناشر روزنامه صوراسرافیل (منبع، ۱، ص ۴۶۷). ۵- عاقلی، دکتر باقر: روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب، اسلامی ج ۱، ص ۲۶، نشر گفتار، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
- ۶- ر. ک. منبع، ۲، ص ۲۰۱۷. ۷- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، به قلم دکتر مهدی ملک‌زاده، ج ۱-۲، انتشارات علمی، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۱. ۸- ترکمنی، آذر، کتاب‌شناسی گزیده‌ی توصیفی تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی تا پایان دوره‌ی قاجار، صص ۲۸-۲۹، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸. ۹- سید احمد کسروی (۱۲۶۹-۱۳۲۴ ش)، مورخ، زبان‌شناس و روزنامه‌نگار (منبع، ۱، ص ۵۶۸). ۱۰- محمد ناظم الاسلام کرمانی (۱۲۸۰-۱۳۳۷ ق)، مورخ مشروطه‌خواه (منبع، ۱، ص ۷۱۷). ۱۱- ملک‌زاده، دکتر مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱-۲، صص ۷-۸، انتشارات علمی، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۱. ۱۲- منبع پیشین ص ۲۲. ۱۳- منبع پیشین صص ۲۳-۴۴.

ایران! ایران!

دکتر قدمعلی سرآمی

ای تو آب و خاک و عشق	آفتاب، نان تو
ای تو مرز و بوم دوست‌داشتن	شرق، میهمان تو
ای تو سرزمین سبزه‌های سرفراز	غرب، ریزه‌خوار خوان تو
ای تو کشور گل و گیاه و کاشتن	هر کجا سری بر آستان تو
یکه‌تاز عرصه‌ی قرون تویی	هر کجا بسی، سرودخوان تو
راه هفت‌خان نام را	گوش‌ها همه به داستان تو
رهنمون تویی	***
هفت جوش خون تویی	ای تو از تبار آب و تاب!
گرد و لر	ای تو نور چشم آفتاب
گیل و فارس	ای تو بسته‌از خمیر خون خضاب!
دیلم و بلوچ و آذری	نقش چون نه نقش تو، بر آب
هفت‌گرد روزگار را تو مادری	چشمه چون نه چشم تو،
هفت‌بند نای خاوری	سراب
دلبری، دلاوری	شادمانه، بی‌درنگ و با شتاب
***	باز با زمین به گرد آفتاب
سروناز	مهربان بتاب
قصه‌ی بهار بی‌خزان تو	آی روز بی‌نقاب!
چشمه‌سار	قصه، قصه‌ی هزار و یک‌شب
روشنایی روان تو	تو را هنوز
آب، آسمان تو	از برند شهرزاد و ماهتاب